

مقوله نفی و جایگاه آن در گویش لری کهگیلویه

عباسعلی آهنگر^{۱*}، امیرعلی خوشخونزاد^۲

۱. دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

نفی یکی از مفاهیم اساسی در زبان‌های طبیعی است. در همه زبان‌های طبیعی صورتهای منفی متناظر با جملات مثبت وجود دارد. معنای جملات منفی در این زبان‌ها در تضاد با معنای جملات مثبت متناظرشان است. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی بازنمود ساخت‌واژی و نحوی مقوله نفی و انواع جایگاه آن در گویش لری کهگیلویه بر اساس برنامه کمینه‌گرا است. اگرچه یکی از نویسندگان گویشور بومی گویش مذکور است، اما داده‌های پژوهش از گفتار پنج گویشور مرد مسن و بی‌سواد نیز استخراج گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نشانه منفی در گویش لری پیش از گروه زمان (Tense Phrase/TP) و به عنوان گروهی مستقل تولید می‌شود و در جایگاه‌های مختلفی در جمله ظاهر می‌شود. در جملات خبری غیراسنادی و استقهامی، نشانه منفی ابتدا پیش از گروه زمان (TP) در هسته گروه منفی (Negative Phrase/NegP1) تولید می‌شود، سپس توسط فعل جذب می‌شود. در این جایگاه، ارتباط بین فعل و هسته گروه نفی از طریق رابطه مطابقت صورت می‌گیرد. گروه منفی ۲ (NegP2) دیگر جایگاهی است که این نشانگر در جملات خبری اسنادی در آن ظاهر می‌گردد. در این جایگاه، نشانه منفی دستخوش هیچ‌گونه حرکتی نمی‌شود و در جایگاه اصلی خود باقی می‌ماند. علاوه بر این، در این جملات نشانه منفی می‌تواند به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون (Focus Phrase/FP) نیز حرکت کند. همچنین، در جملات پرسشی بلی-خیر، نشانه منفی می‌تواند در جایگاه هسته متمم‌نما (Complimentizer Phrase/CP) قرار بگیرد. افزون بر این، نشانه منفی در این گویش می‌تواند به عنوان پیشوند پیش از فعل قرار گیرد و به عنوان قید نفی نیز پیش از گروه زمان (TP) واقع شود.

کلیدواژه‌ها: مقوله نفی، برنامه کمینه‌گرا، گویش لری کهگیلویه، گروه زمان، گروه کانون، گروه متمم‌نما

۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های جهانی زبان‌های طبیعی این است که هر زبانی قادر است نفی را بیان کند؛ به عبارت دیگر، هر زبانی ابزارهایی دارد که می‌تواند از طریق آن ارزش صدق محتوای گزاره‌ای جمله را نقض کند (زیلسترا، ۲۰۰۴: ۲۳۴). از سوی دیگر، زبان‌ها در شیوه بیان نفی تفاوت‌های زیادی دارند. امروزه مطالعه نفی توجه بسیاری از پژوهش‌گران حوزه‌های مختلفی از قبیل زبان‌شناسی، فلسفه و روانشناسی زبان را به خود جلب کرده است (هگمن^۲، ۱۹۹۵: ۷۰). برای زبان‌شناسان، به خصوص معناشناسان و کاربردشناسان مقوله نفی نه فقط به خاطر جایگاه منحصر به فرد، بلکه به خاطر ارتباط پیچیده‌اش با عملگرهای منطقی‌ای مانند کمیت‌نماها (quantifiers)، زمان و افعال کمکی مهم است (حجت‌الله طالقانی، ۲۰۰۸: ۱۴۵). همچنین، رفتار پیچیده نفی در واژه‌سازی اطلاعات مهمی را پیرامون محدودیت‌های فرایندهای ساخت‌واژی برای متخصصین ساخت‌واژه فراهم کرده است. دستوریان نیز به علت حوزه‌های ابهام و ارتباط بین جایگاه ساختاری نفی و تعبیر جایگاه نحوی نفی به این مقوله علاقه‌مندند (زانوتینی^۳، ۱۹۹۷).

هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که رفتار ساخت‌واژی و نحوی مقوله نفی را در گویش لری شهرستان کهگیلویه^۴ مورد بررسی قرار دهد. در این راستا، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از:

- ۱- آیا نشانه منفی در گویش لری یک واژه نقشی یا یک پیشوند است؟
 - ۲- آیا نشانه منفی در گویش لری در جایگاه‌های نقشی متفاوتی واقع می‌شود؟
- بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش، فرضیه‌های اصلی زیر بیان می‌شود:
۱. نشانه منفی در گویش لری یک واژه نقشی است.
 ۲. نشانه منفی در گویش لری در جایگاه‌های نقشی متفاوتی واقع می‌شود.

در این پژوهش جمله‌های خبری اسنادی و غیراسنادی و جمله‌های پرسشی بله-خیر در گویش لری بررسی می‌گردد. در این راستا، اگرچه یکی از نویسندگان گویشور بومی گوش مذکور بوده است، با این وجود، داده‌های پژوهش از گفتار پنج گویشور مرد مسن و بی‌سواد نیز استخراج گردید. این داده‌ها از طریق مصاحبه و ضبط گفتار آزاد پیرامون موضوعات

مختلف از جمله جنگ، مراسم عزاداری و غیره جمع‌آوری شد. سپس، انواع جملات منفی بیان شده در زمان‌های حال، گذشته و آینده شناسایی و عناصر منفی‌ساز استخراج گردید. مقاله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. بخش دوم این پژوهش به پیشینه پژوهش اختصاص دارد. در بخش سوم، چارچوب نظری پژوهش بررسی می‌شود. سپس، نشانه منفی، جایگاه و کارکرد آن در گویش لری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در پایان، نتیجه‌گیری پژوهش حاضر ارائه خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

تا کنون پیرامون مقوله نفی در ایران پژوهش‌های اندکی در چارچوب نحو کمینه‌گرا انجام گرفته است. در ادامه، به تعدادی از این آثار اشاره خواهد شد.

صدیق ضیابری و همکاران (۱۳۸۴) جایگاه عنصر نفی در زبان فارسی را در چارچوب برنامه‌ی کمینه‌گرا تحلیل کرده‌اند. نویسندگان عنصر نفی را بر اساس دیدگاه ردفور (۲۰۰۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که در جملات منفی زبان فارسی، افعال اعم از اصلی و کمکی دارای مختصه‌ی (NEG) قوی هستند و این مختصه در رابطه با فعل اصلی و کمکی، تحت عملکرد فرآیندهای مختلف (حضور در میان دو بخش فعل مرکب، تبدیل به واج‌گونه -mi، تکیه‌دار کردن نشانه منفی و اضافه‌شدن به فعل کمکی) قرار می‌گیرد. به علاوه، در رابطه با افعال کمکی (در حالت بی‌نشان)، حرکت عنصر نفی از هسته (NEG)، تحت تاثیر عملکرد حرکت هسته به هسته به سمت هسته T که دارای فعل کمکی آشکار است، انجام می‌پذیرد. در این حالت نیز عنصر نفی به صورت پیشوند به ابتدای فعل اصلی متصل می‌گردد، لذا به باور آن‌ها، شواهد زبان فارسی با دیدگاه ردفور (۲۰۰۴) مبنی بر وجود مختصه‌های خاص در سازه‌های خاصی همسو است.

حسینی معصوم (۱۳۹۰) جایگاه و کارکرد مقوله‌ی نفی را در تحلیل ساختی فارسی بر اساس برنامه کمینه‌گرا بررسی کرده است. در این پژوهش، ضمن مطالعه آراء مختلف در زمینه‌ی جایگاه و نحوه عملکرد مقوله‌ی نقشی نفی، با ارائه شواهدی به رد نظریه‌ای پرداخته شده است که جایگاه مقوله یادشده را بر فراز گروه زمان در نظر می‌گیرد. وی فرافکن نفی در فارسی را سازه بلافصل مشرف برگروه فعلی بالایی (vP) پیشنهاد می‌کند. بر این اساس، پس

از انضمام مجموعه ۷ به فعل کمکی، عنصر نفی از جایگاه هسته فرافکن خود حرکت کرده و جذب سازه مذکور می‌شود. در صورت وجود عنصر نمود در جمله نیز، پس از حرکت فعل اصلی به هسته (Perf)، کل سازه حاصل توسط هسته گروه زمان جذب می‌شود و، سپس، عنصر نفی به مجموعه حاصل افزوده می‌شود.

رضایی (۱۳۹۲) به تحلیل جایگاه گروه نفی (NegP) در نمودارهای درختی جملات منفی زبان فارسی معیار در چارچوب برنامه‌ی کمینه‌گرا پرداخت. برای دستیابی به این هدف، وی با کنار گذاشتن نفی سازه‌ای و تمرکز بر نفی جمله‌ای، ابتدا گروه نفی را به پیروی از پولاک^۵ (۱۹۸۹) فرافکنی مستقل در جملات منفی در نظر گرفت. سپس تلاش نمود تا جایگاه این فرافکن را در ساختار نحوی جملات منفی تعیین کند. در ادامه، دو دیدگاه نسبت به جایگاه فرافکن نفی در ساختار نحوی فارسی بررسی شد که یکی گروه نفی را بر فراز گروه زمان (TP) در نظر می‌گیرد (حجت الله طالقانی، ۲۰۰۸؛ کواک^۶، ۱۳۸۷؛ صدیق ضیابری و همکاران، ۱۳۸۴) و دیگری دیدگاهی است که گروه نفی را زیر گروه زمان و مسلط بر گروه فعلی پوسته‌ای (verb Phrase/vP) برمی‌شمارد (صدیق و همکاران، ۱۳۸۴؛ درزی، ۲۰۰۸). در نهایت، در این پژوهش با ارائه‌ی شواهدی استدلال شد که جایگاه گروه نفی پایین‌تر از گروه زمان و بالای گروه فعلی پوسته‌ای قرار دارد.

غلامعلی زاده و همکاران (۱۳۹۵) بر پایه‌ی رویکرد کمینه‌گرا توزیع نشانه نفی را در جملات پرسشی بلی-خیر در گویش دشتستانی بررسی نموده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که نشانه نفی در جایگاه ماقبل فعل، پیشوند منفی است و در جایگاه ماقبل گروه‌های فعلی جزء قیدی منفی است که هر یک در گروه‌های جداگانه‌ای تولید شده و با فعل در رابطه مطابقتی دارند. به علاوه، در جملات پرسشی بلی-خیر، نشانه نفی به عنوان جزء قیدی منفی از جایگاه هسته گروه نفی غیرمنضم به فعل حرکت می‌کند و در جایگاه هسته گروه متمم‌نما قرار می‌گیرد تا ضمن رعایت معیار نفی، تعبیر پرسشی جمله را فراهم سازد. عدم تحقق این حرکت ساختی غیردستوری تولید می‌کند.

با وجود پیشینه‌ای هر چند اندک در خصوص مطالعه کمینه‌گرایی مقوله نفی و بازنمودهای ساخت‌وازی و نحوی آن در زبان فارسی، اما تاکنون پژوهشی پیرامون مقوله نفی در گویش لری کهگیلویه صورت نگرفته است.

۳- چارچوب نظری

۳-۱ برنامه کمینه‌گرا

برنامه کمینه‌گرای چامسکی (۱۹۹۲، ۱۹۹۵، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱) به عنوان بخشی از چارچوب نظریه‌ی اصول و پارامترها تلقی گردیده است که مبتنی بر رعایت حداکثر کمینگی می‌باشد (رک: زیلسترا، ۲۰۰۴: ۱۱). از دیدگاه بونکس^۷ (۲۰۰۶)، کمینه‌گرایی از موفقیت نظریه حاکمیت و مرجع-گزینی پدیدار گشته است. وی همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که چامسکی در همه نوشته‌های خود کمینه‌گرایی را یک برنامه دانسته و نه یک نظریه. در برنامه کمینه‌گرا، نظام زبان از دو بخش شامل واژگان (Lexicon) و نظام محاسباتی (Computational system) تشکیل شده است. واژگان درون‌داد بخش محاسباتی را تأمین می‌کند و نظام محاسباتی نیز از واژگان برای تولید اشتقاق‌ها (derivations) استفاده می‌کند (چامسکی، ۲۰۰۱). پس از انتخاب واحدهای واژگانی، این واحدها از طریق ادغام (merge) با یکدیگر، سازه‌های بزرگ‌تر را به وجود می‌آورند. همچنین، از طریق حرکت (move)، برخی سازه‌ها جابه‌جا می‌شوند (چامسکی، ۱۹۹۵/۲۰۱۵). در برنامه کمینه‌گرا، بر پایه اصل اقتصاد، در تمام مراحل اشتقاق باید از درج مراحل پیچیده و غیرضروری خودداری شود. جابه‌جایی‌ها باید تا حد ممکن کوتاه بوده و تنها عناصر دارای معنی در نمود ساخت زبانی حضور داشته باشند (لنسیک^۸، ۲۰۰۲). به طور خلاصه، چامسکی (۱۹۹۵/۲۰۱۵) ویژگی‌های اصلی برنامه کمینه‌گرا را به صورت زیر بیان می‌کند:

۱. برنامه کمینه‌گرا در چارچوب رویکرد اصول و پارامترها است.
۲. تنها سطوح زبانی مطرح، صورت منطقی و صورت آوایی هستند.
۳. در این برنامه، نظام زبان از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود: واژگان و نظام محاسباتی.
۴. فرایند نحوی اصلی، فرایند ادغام است.

۳-۲ مقوله نفی و جایگاه آن

اجر (۲۰۰۳: ۱۷۶) معتقد است دو نوع منفی‌سازی وجود دارد: منفی‌سازی جمله‌ای (Sentential Negation) و منفی‌سازی سازه‌ای (Constituent Negation). منفی‌سازی جمله‌ای، در حقیقت، صورت غیرمنفی جمله را نفی می‌کند. بر اساس اجر (همان)، جمله (۱a) نمونه‌ای از منفی‌سازی جمله‌ای که تعبیر آن به صورت (۱b) است:

(1) a. I haven't left yet .

b. It is not true that I have left yet.

از سوی دیگر، منفی سازی سازه‌ای، حقیقت کل جمله را نفی نمی‌کند، بلکه بیان می‌دارد که جمله در مورد چیزی غیر از عنصر نفی شده حقیقت دارد. در این راستا، اجر (همان) مثال‌های ۲ و ۳ را به عنوان نمونه‌هایی از منفی سازی سازه‌ای ارائه داده است. در این مثال‌ها، فقط گروه حرف اضافه‌ای (مثال ۲) و گروه اسمی (مثال ۳) منفی شده است و نه کل جمله.

(2) I was sitting not under the tree (but under the bus).

(3) I was eating not a peach (but an apple).

علاوه بر این، هورن^۹ (۱۹۸۹) اصل نخست نفی (NEG FIRST PRINCIPLE) را به عنوان تعمیمی در خصوص جایگاه ساخت‌واژی و نحوی مقوله نفی ارائه می‌دهد.

اصل نخست نفی: تمایل قوی برای نشانه منفی این است که به سمت چپ متمایل شود، از این رو، پیش از فعل خودایستا یا سایر قطب‌های منفی می‌آید (نقل شده در مازون^{۱۰}، ۲۰۰۴: ۵). در ادامه، ابتدا جایگاه ساخت‌واژی نشانه منفی و سپس جایگاه نحوی آن تبیین می‌شود.

۳-۲-۱. جایگاه ساخت‌واژی نشانه منفی

به باور زانوتینی (۱۹۹۷) مشاهدات بین‌زبانی نشان می‌دهد که با توجه به فعل، نشانه منفی در سه جایگاه ظاهر می‌شود: الف) جایگاه پیش از فعل، ب) جایگاه پس از فعل و ج) هم‌زمان در جایگاه پیش و پس از فعل.

۱. نشانه منفی پیش از فعل

بعضی از زبان‌های رومیایی مانند ایتالیایی، اسپانیایی و پرتغالی یک بند را تنها از طریق به کاربردن نشانه منفی در جایگاه پیش از فعل منفی می‌کنند. نمونه‌ای از زبان ایتالیایی در زیر ارائه شده است:

(4) a. Gianni *non* ha telefonato a sua madre.

G. not has phone to his mother
' John hasn't called his mother'.

زانوتینی (۱۹۹۷: ۳)

در میان زبان‌های هند و اروپایی نیز در زبان‌های اردو و هندی، بند با استفاده از نشانه منفی (nahī) منفی می‌شود. کاجرو^{۱۱} (۱۹۸۰: ۱۰۹) به نقل از جفرسون (۱۹۱۷) مثال (۵) را از زبان هندی ارائه داده است:

(5) larka lambā nahī hai.
boy tall not is
'The boy is not tall.'

(همان)

۲. نشانه منفی پس از فعل

دومین جایگاه ساخت‌واژی نشانه منفی پس از فعل است. زبان رومیایی اوکیتان^{۱۲} که در جنوب فرانسه صحبت می‌شود، نمونه‌ای از این زبان‌هاست. در این زبان‌ها، بند تنها از طریق استفاده از نشانگرهای نفی پس از فعل منفی می‌شود (زانوتینی ۱۹۹۷: ۴). مانند:

(6) *Vôl pas venire.*
Wants neg to-come
'He doesn't want to come'. (همان)

(اوکیتانی)

۳. وقوع همزمان نشانه منفی پیش و پس از فعل

سومین جایگاه ساخت‌واژی نشانه منفی در جمله، وقوع همزمان نشانه منفی پیش و پس از فعل است که در زبان‌های لاتین دیده می‌شود. زبان معیار فرانسه نمونه خوبی از این نوع زبان‌ها است (همان: ۵).

(7) *Je n'ai pas parlé de toi.*
I neg have neg spoken of you.
'I didn't talk about you.' (همان)

(فرانسه معیار)

۳-۲- جایگاه نحوی نشانه منفی

پولاک (۱۹۸۹) معتقد است که عناصر تصریفی‌ای مانند مطابقه، نفی یا زمان، هسته‌های منحصر به فردی هستند که درون یک فرافکن نقشی خاص خود واقع می‌شود، مانند گروه نفی (NegP). بنا به اظهار او، در گروه نفی زبان انگلیسی، عنصر 'not' به عنوان مشخص‌گر گروه نفی قرار می‌گیرد. هسته این گروه در انگلیسی باستان توسط یک عنصر منفی‌ساز 'ne' اشغال می‌شد که امروزه دیگر کاربرد ندارد. به باور حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸: ۱۰۸)، «گروه نفی از هسته و مشخص‌گر تشکیل شده است و جهت تجویز جملات منفی، مطابقه بین هسته-مشخص‌گر الزامی است». به گفته‌ی کواک (۲۰۰۶: ۳۳)، «نشانه منفی می‌تواند در هسته‌ی گروه نفی یا در مشخص-گر آن قرار بگیرد». در همین راستا، زانوتینی (۱۹۹۷: ۲۴) به پیروی از پولاک (۱۹۸۹) ادعا می‌کند که نشانگرهای نفی پیش از فعل، هسته‌ی گروه نفی و نشانگرهای نفی پس از فعل قید محسوب می‌شوند. از دیدگاه زیلسترا (۲۰۰۴: ۱۶۷-۸)، «نشانه منفی‌ای که خود بتواند تمام

جمله را منفی کند، در جایگاه هسته‌ی گروه نفی قرار می‌گیرد، در مقابل، نشانگری که نتواند جمله را منفی کند و نیازمند حضور یک نشانگر منفی دیگری باشد، نمی‌تواند در جایگاه هسته‌ی گروه نفی واقع شود و در جایگاه پایین‌تر به عنوان واژه‌بست متصل به فعل و یا تصریف فعلی ظاهر می‌شود».

همچنین، هگمن (۱۹۹۵: ۱۰۶) معتقد است رابطه عنصر نفی و هسته‌ی آن به صورت زیر بیان می‌شود:

الف- عملگر نفی باید در آرایش مشخص‌گر-هسته با هسته‌ی نفی باشد.

ب- هسته‌ی نفی باید در آرایش مشخص‌گر-هسته با هسته عملگر (Operator) باشد.

علاوه‌بر ساخت درونی گروه نفی، شناخت جایگاه این گروه در ساخت سلسله‌مراتبی جمله نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. به نظر می‌رسد که جایگاه گروه نفی در سلسله‌مراتب فرافکن‌های دستوری جمله، پارامتری جهانی است. به عبارت دیگر، جایگاه فرافکن نفی نسبت به سایر گروه‌های نقشی از ترتیبی جهانی پیروی نمی‌کند، بلکه تغییری پارامتری است که اوهولا^{۱۲} (۱۹۹۱) در قالب «پارامتر نفی» مطرح می‌کند:

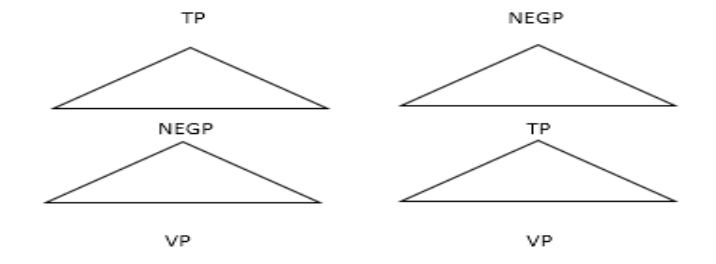
الف) نفی، گروه فعلی پوسته‌ای (VP) را انتخاب می‌کند.

ب) نفی، گروه زمان (TP) را انتخاب می‌کند (نقل شده در زیلسترا، ۲۰۰۴: ۱۷۷)

در این راستا، هورن (۲۰۰۰: ۷) نیز پیشنهاد می‌کند که جایگاه گروه نفی با توجه به گروه زمان (TP) تعیین می‌شود، بنابراین نفی می‌تواند در زبان‌های مختلف یا درون گروه زمان (TP) واقع شود یا بیرون از آن. به پیروی از پولاک (۱۹۸۹)، لاکا^{۱۳} (۱۹۹۰: ۳) شرط سازه-فرمانی زمان (Tense C-command Condition/ TCC) را به شرح زیر بیان می‌کند:

شرط سازه‌فرمانی زمان: زمان باید در ر-ساخت (S-Structure) بر همه عملگرهای گزاره-ای بند سازه‌فرمانی داشته باشد. به عبارت دیگر، شرط سازه‌فرمانی زمان (TCC) حاکی از آن است که حضور عملگرهای گزاره‌ای مانند "زمان" به حضور "زمان" بستگی دارند. بر اساس پیشنهاد لاکا (همان)، جایگاه نفی در انگلیسی و باسکی به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

باسکی انگلیسی



نمودار ۱. ساختار نفی در زبان‌های انگلیسی و باسکی (لاکا، ۱۹۹۰: ۳)

همان‌طور که نمودار (۱) نشان می‌دهد، در زبان باسکی گروه نفی (NegP) بر گروه زمان (TP) سازه‌فرمانی دارد، که شرط سازه‌فرمانی زمان (TCC) را نقض می‌کند. از این رو، لاکا (۱۹۹۰: ۱۵ و ۲۵) پیشنهاد می‌دهد که ادغام (Neg) و (Inflection/INFL) منجر به ارتقاء (INFL) به (Neg) می‌شود.

در این راستا، وی (همان) جمله‌های زیر را به عنوان شاهد ارائه داده است:

(8) a) The house hasn't fallen down.
 b. extea ez da erori.
 house-the not has fallen

لاکا (۱۹۹۰: ۱۵)

همان‌گونه که مثال (۸a) نشان می‌دهد، جایگاه نفی در زبان انگلیسی در سمت راست فعل کمکی‌ای که معمولاً در (T) واقع می‌شود، قرار دارد. بنابراین، در انگلیسی نفی در زیر (TP) ایجاد می‌شود (پولاک، ۱۹۸۹) و به طور خودکار از شرط (TCC) پیروی می‌کند. در حالی که، در زبان باسکی، مثال (۸b)، نشانه منفی در سمت چپ فعل کمکی قرار دارد.

لاکا (۱۹۹۰: ۲۲-۱۸) شواهدی را برای توجیه تفاوت در جایگاه نفی در زبان باسکی و انگلیسی ارائه می‌دهد. اولین شواهدی که وی ارائه می‌دهد از حذف حاصل می‌شود. وی (همان) معتقد است، جایگاه نسبی گروه نفی با توجه به "زمان" در انگلیسی و باسکی متفاوت است که این تفاوت از حذف ناشی می‌شود. بر این اساس، در موارد حذف ناشی از همپایگی با حروف ربط، جایی که یک جمله خبری مثبت و جمله دیگر خبری منفی است، نتایج متفاوتی در انگلیسی

و باسکی بدست می‌آید. به عبارت دیگر، گروه زمان (TP) را می‌توان در زبان باسکی حذف کرد (مثال ۹b)، در حالی که در زبان انگلیسی این امر منجر به نادرستی شدن جمله می‌شود. مثال‌های زیر این تفاوت را نشان می‌دهند:

- (9) a. Mary bought a book and Peter didn't.
 * Mary bought a book and Peter not.
 b. Marik liburua erosi du eta Peruk ez.
 Mari book-the bought has and Peter not
 'Mary has bought the book and Peter has not.'

(همان: ۲۱)

دومین شاهدهی که لاکا ارائه می‌دهد مربوط به عبارت‌های قطبی منفی است. زبان انگلیسی در خصوص مجاز شمردن عبارت‌های قطبی منفی برای فاعل-مفعول عدم تقارن نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در جمله‌ی منفی انگلیسی عبارت قطبی منفی نمی‌تواند در جایگاه فاعل قرار بگیرد ولی مفعول می‌تواند در این جایگاه واقع می‌شود. در مقابل، لاکا (همان) معتقد است در زبان باسکی از آنجایی که فرافکن نفی بر فرافکن زمان سازه‌فرمانی دارد، عبارت قطبی می‌تواند هم در جایگاه مفعول و هم در جایگاه فاعل واقع شود. در مثال (۱۰a)، با قرار گرفتن عبارت قطبی و منفی در جایگاه فاعل در زبان انگلیسی جمله غیر دستوری حاصل می‌شود، در حالی که در جمله (۱۰c)، عبارت قطبی و منفی می‌تواند در زبان باسکی در ابتدای جمله قرار بگیرد و جمله حاصل نیز دستوری باشد.

- (10) a. *Anybody didn't go to the party.
 b. John didn't know anybody at the party.
 c. ez da inor etorri.
 not has anybody come
 'Any body didn't come'

(همان)

بر اساس شواهد مذکور، لاکا (۱۹۹۰: ۲۱) نتیجه می‌گیرد که در زبان باسکی فرافکن نفی بالاتر از فرافکن زمان قرار می‌گیرد، در حالی که در زبان انگلیسی فرافکن نفی در جایگاه پایین‌تر از فرافکن زمان واقع می‌شود.

به‌علاوه، ردفور (۲۰۰۹: ۱۶۴) در بررسی مقوله نفی تحلیلی را برای عنصر نفی ارائه کرده است که مبتنی بر کارهایی است که از دهه‌ی ۱۹۸۰ آغاز شده بود. بر اساس دیدگاه وی، نفی خود شامل یک فرافکن جداگانه (NegP) است. ردفور با توجه به شواهد تاریخی از انگلیسی میانه، در این تحلیل «not» را به عنوان مشخص‌گر فرافکن نفی و هسته آن را «me» در نظر می‌گیرد. مثال (۱۱) از انگلیسی میانه آورده شده است:

(11) A lord in his household *ne* hath *nat* every vessel al of gold (lines 99 100)
 'A lord in his household does not have all his vessels made entirely of gold'

تحلیلی که ردفورد از جمله‌ی (۱۱) ارائه می‌دهد به صورت زیر است:

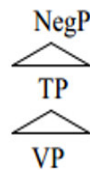
(12) [TP A lord . . . [T ne+hath+Af] [NEGP nat [NEG ne+hath] [VP [V hath] every vessel al of gold]]]

(همان)

همچنین، حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) به پیروی از پولاک (۱۹۸۹) معتقد است که نفی در فارسی به وسیله فرافکن نقشی (NegP) نشان داده می‌شود. هسته نفی (NegP)، نشانگرهای نفی «-na» است و مشخص‌گر آن یک عملگر تهی است. عامل نفی ممکن است تهی یا دارای تظاهر آوایی باشد. حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸: ۱۴۹) معتقد است در منفی‌سازی جمله جایگاه عامل در مشخص‌گر گروه نفی تهی است و پیشوند نفی «-ni/-na/-ne» در هسته‌ی گروه نفی ظاهر می‌شود. از دیدگاه حجت‌الله طالقانی (همان) در جملات منفی زبان فارسی همانند زبان باسکی نشانه منفی قبل از فعل کمکی می‌آید که در سمت چپ فعل^{۱۵} قرار دارد. به نمونه زیر در زبان فارسی توجه کنید:

(13). qazâ-ro na-xâh-am xord. (فارسی)
 food râ not want-1stsg. eat-Past-stm
 'I will not eat the food'. طالقانی (۲۰۰۸: ۱۵۶)

بر این اساس، حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) جایگاه گروه نفی در جملات منفی زبان فارسی را همانند زبان باسکی بر فراز گروه زمان در نظر می‌گیرد. نمودار زیر ترتیب قرار گرفتن گروه‌های نفی و زمان را در زبان فارسی نشان می‌دهد:



نمودار (۲). جایگاه وقوع گروه نفی در زبان فارسی (همان: ۱۵۶)

به‌علاوه، حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸: ۱۵۶) جایگاه مقوله نفی را در سلسله مراتب فرافکنی به

صورت زیر پیشنهاد می‌دهد:

(14) [CP[TopP[FocP[NegPNeg[TP[vP[VP]]]]]]]]

۴- توصیف و تحلیل داده‌ها

نشانه منفی در گویش لری نشانگری است که هم به عنوان واژه نقشی یا ادات نفی و هم به عنوان پیشوند کاربرد دارد. در این بخش، ابتدا جایگاه ساخت‌واژی نشانه منفی و سپس جایگاه نحوی آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۴-۱ جایگاه ساخت‌واژی نشانه منفی در گویش لری

نشانه منفی در گویش لری به صورت تکواژ «na-» و تکواژگونه «mi-» استفاده می‌شود. از میان این دو پیشوند، صورت «na-» صورت پیش‌فرض تلقی می‌شود، چرا که در محیط‌های متنوع‌تری به کار می‌رود و بسیار قاعده‌مندتر است. به طور کلی، نشانه منفی جمله در گویش لری بسته به نوع جمله در جایگاه‌های مختلفی واقع می‌شود. این نشانگر از نظر ساخت‌واژی در جایگاه پیش از ستاک فعلی افعال ساده (مثال ۱۵)، پیش از جزء فعلی در افعال مرکب (۱۶)، افعال مشتق (۱۷)، پیش از صفت مفعولی گذشته در ساختار فعل گذشته نقلی (۱۸) و گذشته دور، و پیش از نشانه نمود استمراری در برخی افعال دیگر (۱۹) به کار می‌رود و به تنهایی قادر است جمله یا گزاره موجود در دامنه خود را منفی کند:

نمونه‌های از جایگاه ساخت‌واژی نشانه منفی در گویش لری در زیر ارائه شده است:

- (15) *na-ra va hona.* "به خانه نرفت." (فعل ساده)
 (16) *seil-eš ni-ken-um* "بهش نگاه نمی‌کنم." (فعل مرکب)
 (17) *ketâba na-var-dâšt* "کتاب را برداشت." (فعل مشتق)
 (18) *kâret ?anjâm na-vab-i* "کارت انجام نشده است." (صفت مفعولی گذشته)
 (19) *bača na-ni-le be-xun-e* "بچه را نمی‌گذارد بخوابد." (پیش از نمود فعلی)

بر اساس مثال‌های (۱۹-۱۵)، می‌توان نتیجه گرفت که در گویش لری نشانه منفی به صورت پیشوند در جایگاه پیش از فعل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در ساختار همه انواع فعل این نشانگر پیش از فعل واقع می‌شود. با توجه به طبقه‌بندی‌هایی که پابن (۱۹۸۵) و زانوتینی (۱۹۹۷)

از انواع نشانه‌های نفی ارائه داده‌اند، به نظر می‌رسد که در حالت بی‌نشان، نشانه منفی «na» در گویش لری یک پیشوند منفی‌ساز است که به صورت پیش‌فرض در جایگاه بلافاصله پیش از فعل به کار می‌رود.

از سوی دیگر، نغزگوی کهن (۱۳۹۰) معتقد است پیشوند نفی در زبان فارسی در آغاز کلمه نقشی بوده است و سپس از رهگذر فرایند دستوری‌شدگی تبدیل به واژه‌بست و وند تصریفی شده‌است. در فارسی امروز شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که پیشوند نفی با دستوری-زدایی به صورت پیشوند اشتقاقی درآمده است؛ به عبارت دیگر، فرایند تصریف‌زدایی در آن‌ها قابل مشاهده است (نغزگوی کهن، ۱۳۹۰). نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که تکواژ نفی در زبان فارسی در ابتدا یک واژه آزاد بوده است و با فاصله از فعل به کار می‌رفته است:

(۲۰) اگر نه چنین کردی رویت به آتش دوزخ بسوختی.

(۲۱) پس معلوم شد که سبب اسلام صحابه نه به نظر بوده است.

(۲۲) نه فصاحت ازین کامل‌تر دیده‌ام.

(۲۳) من نه به طلب زر آمده‌ام (همان: ۹۷).

به نظر می‌رسد که تغییرات تاریخی مطرح‌شده توسط نغزگوی کهن (۱۳۹۰)، هنوز به صورت کامل در لری تحقق نیافته است. بر این اساس، نشانه منفی در این گویش به عنوان کلمه نقشی یا ادات نفی پیش از گروه زمان (TP) (۲۴) و گروه فعلی (۲۵) واقع می‌شود. باوجوداین، شواهدی نیز در این گویش یافت می‌شود که تحت تاثیر زبان فارسی به صورت پیشوند به کار می‌رود (۲۶).

(24) *na kauš-e malusi-a.*

"کفش قشنگی نیست."

(25) *dālu na sarehāl-e.*

"پیرزن سرحال نیست."

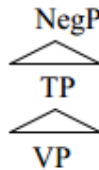
(26) *hamid šiša-na na-škand.*

"حمید شیشه را نشکست."

۴-۲ جایگاه نحوی نشانه منفی در گویش لری

در این پژوهش به پیروی از پولاک (۱۹۸۹)، هگمن (۱۹۹۵) و ردفورد (۲۰۰۹) فرض بر این است که نفی در گویش لری یک گروه را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، به پیروی از لاکا (۱۹۹۰)، زانوتینی (۱۹۹۷) و ردفورد (۲۰۰۹)، حجت‌الله‌طالقانی و کریمی (۲۰۰۷) و حجت‌الله‌طالقانی

(۲۰۰۸) جایگاه نشانه نفی در این گویش در هسته گروه نفی قرار دارد و مشخص‌گر گروه نفی به عنوان عملگر تهی عمل می‌کند. همچنین، به منظور رعایت معیار نفی در خصوص جملات منفی، جایگاه مشخص‌گر گروه نفی به پیروی از هگمن (۱۹۹۵)، جایگاه عملگر تهی نفی فرض می‌گردد. افزون‌براین، به پیروی از لاکا (۱۹۹۰)، زانوتینی (۱۹۹۷)، حجت‌الله طالقانی و کریمی (۲۰۰۷) و حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) جایگاه گروه نفی در این گویش همانند زبان باسکی بر فراز گروه زمان (TP) در گروه نفی (NegP) در نظر گرفته می‌شود.^{۱۶} نمودار زیر جایگاه گروه نفی و زمان را در گویش لری نشان می‌دهد:



نمودار ۳. جایگاه نشانه منفی در گویش لری

در نمودار (۳)، به منظور رعایت شرط سازه‌فرمانی زمان (لاکا، ۱۹۹۰)، هسته زمان تا پیش از سطح صورت آوایی به جایگاه هسته گروه نفی حرکت می‌کند و در این حرکت، محدودیت حرکت هسته چامسکی (۱۹۸۶) نیز رعایت می‌شود.

همان‌گونه که در بخش (۳-۲-۲) ذکر شد، لاکا (۱۹۹۰) بر اساس مثال‌های (۹) و (۱۰) شواهدی را ارائه داد که بر اساس آن‌ها جایگاه نفی در زبان انگلیسی بر فراز گروه فعلی و در زبان باسکی بر فراز گروه زمان است. یکی از این شواهد این است که می‌توان گروه زمان (TP) را در زبان باسکی حذف کرد، در حالی که در زبان انگلیسی این امر منجر به نادرستی شدن جمله می‌شود. در گویش لری همانند زبان باسکی می‌توان فرافکن (TP) را از جمله حذف کرد. مثال (۲۷) این امر را نشان می‌دهد.

(27) *?ali ra va madresa vali reza na.*¹⁷

"علی به مدرسه رفت اما رضا نه."

در مثال (۲۷)، گروه زمان از جمله حذف شده است، ولی، برخلاف زبان انگلیسی و همانند

زبان باسکی دستوری است. از این رو، می‌توان گفت که نشانه منفی در گویش لری همانند نشانه منفی در زبان باسکی عمل می‌کند.

در دومین شاهد، لاکا (همان) معتقد است که زبان انگلیسی در خصوص مجاز شمردن عبارت‌های قطبی منفی برای فاعل-مفعول عدم تقارن را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در جملات منفی انگلیسی عبارت قطبی منفی نمی‌تواند در جایگاه فاعل قرار بگیرد ولی مفعول در این جایگاه واقع می‌شود. در مقابل، به بیان او، در زبان باسکی از آنجایی که فرافکن نفی بر فرافکن زمان سازه‌فرمانی دارد، عبارت قطبی می‌تواند در جایگاه فاعل واقع شود. در گویش لری مورد مطالعه عبارت قطبی همانند زبان باسکی می‌تواند هم در جایگاه فاعل و هم در جایگاه مفعول قرار بگیرد (مثال ۲۸).

(28) a. *hičkas na-yāmad*

"هیچ‌کس نیامد."

b. *maryam hičkas-a na-di*

"مریم هیچ‌کس را ندید."

به پیروی از حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) و بر اساس شواهد لاکا (۱۹۹۰) می‌توان نتیجه گرفت که در گویش لری، همانند زبان باسکی نشانه منفی بالاتر از فرافکن زمان قرار می‌گیرد، در حالی که در زبان انگلیسی فرافکن نفی در جایگاه پایین‌تر از فرافکن زمان واقع می‌شود. با وجود این، نشانه منفی در گویش لری مورد مطالعه علاوه بر جایگاه پیش از گروه زمان (NegP1) بسته به نوع جمله در جایگاه‌های نحوی متفاوت دیگری شامل جایگاه پیش از (V) در جمله‌های غیراسنادی و استفهامی، در جایگاه هسته منفی (NegP2) در جملات اسنادی، در جایگاه مشخص‌گر کانون (FocP) در جمله‌های خبری و در جایگاه هسته گروه متمم‌نما (CP) در جملات مبتدایی و پرسشی بله-خیر، و به کار می‌رود. در ادامه به بررسی این جایگاه‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱ جایگاه پیش از V در جمله‌های غیراسنادی و استفهامی

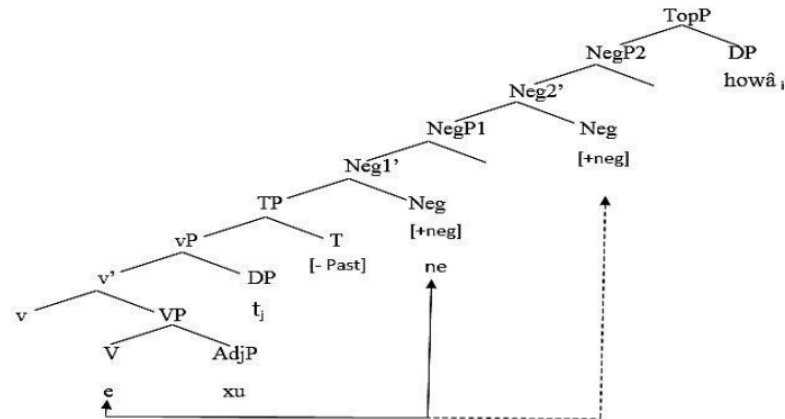
همان‌گونه که در بخش (۴-۲) ذکر شد، جایگاه اصلی نشانه منفی در گویش لری به عنوان یک گروه مستقل بالاتر از گروه زمان قرار دارد. با این وجود، این نشانگر در جایگاه‌های دیگری نیز واقع می‌شود. جایگاه پیش از فعل یکی از جایگاه‌هایی است که نشانه منفی در گویش لری می‌تواند در آن ظاهر شود. در جمله‌های غیر اسنادی (۲۹) و (۳۰) و استفهامی (۳۱) و (۳۲) نشانه منفی به فعل می‌چسبد. این نوع منفی‌سازی بی‌نشان‌ترین شیوه ساخت جملات خبری منفی در گویش لری است. در این جایگاه، نشانه منفی مانند پیشوند عمل می‌کند.

در نمودار ۴، ابتدا فاعل جمله بر طبق اصل فاعل درون گروه فعلی (VP-Internal Subject Hypothesis/VPISH) در گروه فعلی تولید می‌شود (اسپورتیش، ۱۹۸۸) و سپس، برای رعایت اصل فرافکنی گسترده (Extended Projection Principle/EPP) به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند (چامسکی، ۲۰۱۵/۱۹۹۵؛ ردفورد، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹). همچنین، همان‌گونه که بیان شد، نشانه منفی در گویش لری نیز در هسته مستقل گروه نفی (NegPI) همانند زبان باسکی بالاتر از گروه زمان تولید می‌شود.

اکنون پرسشی که در این مورد مطرح می‌گردد این است که نشانه منفی «na-» در گویش لری چگونه به فعل می‌چسبند. در گویش لری نشانه منفی به عنوان پیشوند منفی در جایگاه بلافصل ماقبل فعل، پس از تولید در جایگاه هسته گروه نفی، از طریق رابطه مطابقه به فعل می‌چسبند. در این مطابقه، مشخصه [+منفی] بر روی فعل و نیز مشخصه [+فعلی] بر روی نشانه نفی بازبینی و حذف می‌شوند (مثال ۳۲ تا ۲۹). در حقیقت، \bar{V} دارای ویژگی [+منفی] است که از طریق مطابقه با پیشوند «na» برآورده می‌شود. این فرایند منجر به ظهور پیشوند نفی بر روی عنصر فعلی می‌شود (نگاه کنید به نمودار ۴).

این تحلیل همسو با تحلیل غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) است. آن‌ها بر این باورند که نشانه منفی در گویش دشتستانی به عنوان پیشوند منفی در جایگاه بلافاصله پیش از فعل، پس از تولید در جایگاه هسته گروه نفی، با فعل تطابق می‌یابد. در این مطابقه، مشخصه [-منفی] بر روی فعل و نیز مشخصه [-فعلی] بر روی نشانه منفی بازبینی و حذف می‌شود (مثال ۳۳ و نمودار ۵).

(33) howâ xu ni.
نیست-نفی خوب هوا
"هوا خوب نیست"



نمودار (۵). مطابقت فعل با نشانه نفی متصل و نشانه نفی منفصل

(غلامعلی زاده و همکاران: ۱۳۹۵: ۸۴)

افزون براین، حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) نیز معتقد است که در زبان فارسی رابطه بین مشخصه منفی بر روی فعل و مشخصه فعلی بر روی نشانه منفی از طریق رابطه مطابقت صورت می‌گیرد.

باوجوداین، این تحلیل با تحلیل‌های صدیق‌ضیابری و همکاران (۱۳۸۴)، حسینی معصوم (۱۳۹۰) و رضایی (۱۳۹۲) همسو نیست. این پژوهشگران بر این باورند که جایگاه گروه نفی پایین‌تر از زمان و بالای گروه فعلی پوسته‌ای قرار دارد.

۲-۲-۴ نشانه منفی در جایگاه هسته نفی در جملات اسنادی

یکی دیگر از جایگاه‌هایی که نشانه منفی در گویش لری می‌تواند ظاهر شود، جایگاه هسته نفی (NegP2) است. در این گویش، این نوع منفی سازی به طور عمده در جملات دارای افعال اسنادی به کار می‌رود. در چنین جملاتی، نشانه منفی دارای نوعی تاکید می‌باشد و آهنگ تولید جمله افتان است. در گویش لری، این نوع منفی سازی به طور عمده در مورد جملات دارای افعال اسنادی به کار می‌رود. در این جایگاه، این نشانه یک «قید نفی» و نه یک «پیشوند» است. برای مثال، در جمله‌های (۳۴) تا (۳۷) نشانه منفی پیش از گروه زمان و در جایگاه هسته گروه

نفی (NegP2) واقع شده است.

(34) *dātu na sarehâl-e.*

"پیمزن سرحال نیست."

(35) *dekun na vâz-e.*

"مغازه باز نیست."

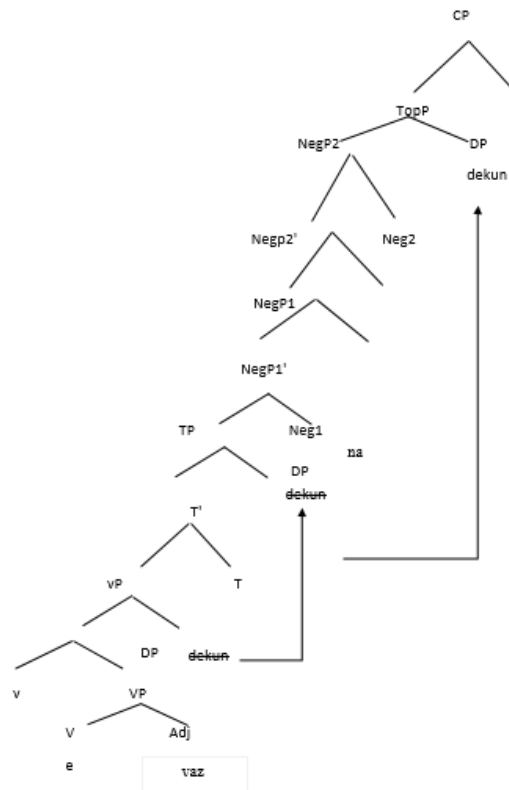
(36) *?ustâd na ? uro bi*

"استاد آنجا نبود."

(37) *deraxt-al na sauz biyen*

"درختها سبز نبودند."

نمودار جمله (۳۵)، به عنوان نمونه‌ای از این جملات در زیر ارائه شده است:



نمودار ۶. نشان منفی جایگاه هسته نفی (NegP2)

در نمودار ۶، ابتدا فاعل جمله بر طبق اصل فاعل درون گروه فعلی در گروه فعلی تولید می‌شود و سپس، برای رعایت اصل فرافکنی گسترده به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. در

جمله (۳۵) نفی به عنوان گروهی مستقل و پیش از گروه زمان (TP) در جایگاه مشخص‌گر نفی (NegP2) با ویژگی‌های متمایز در جایگاه بالاتر تولید می‌شود و به دلیل عدم انضمام به فعل در ساخت آوایی، در همان جایگاه تولید باقی می‌ماند. این نشانگر، یک «نشانه منفی منفصل» است نه یک «نشانه منفی متصل» یا «پیشوند». همچنین، نشانه منفی در این جمله نوعی تاکید دارد و آهنگ تولید آن نیز افتان است؛ از این رو، فاعل در حرکت دوم پس از عبور از مشخص‌گر گروه نفی، در جایگاه مشخص‌گر گروه مبتدا (Topic Phrase/TopP) می‌نشیند و از این طریق محدودیت حرکت هسته چامسکی (۱۹۸۶) نیز رعایت می‌شود.

با وجود این، جایگاه نشانه منفی در این نوع جملات با جملاتی که نشانه منفی در آنها به فعل می‌چسبد، متفاوت است. دلیل این تمایز را می‌توان اینگونه بیان نمود که به لحاظ نظری، نمی‌توان تصور کرد که مشخصه [منفی] به طور همزمان هم دارای مشخصه قوی باشد و به فعل بچسبد و هم دارای مشخصه ضعیف باشد و به فعل منظم نشود. همچنین، رفتار ساخت-واژی نشانه منفی در جایگاه بلافاصله پیش از فعل، از یک طرف، و قبل از متمم‌های گروهی و نیز قبل از جملات پرسشی، از طرف دیگر، تا حدی متفاوت است. به عبارت دیگر، نشانه منفی منفصل علاوه بر اینکه برجستگی بیشتری دارد، فقط به صورت نشانگر تغییرناپذیر «ne» ظاهر می‌شود؛ در حالی که نشانه منفی متصل «ne-» بسته به بافت آوایی، صورت‌های متفاوتی دارد. از سوی دیگر، بر اساس برنامه کمینه‌گرا قائل شدن به سازوکار «حرکت» در اولویت نیست؛ زیرا در برنامه کمینه‌گرا، فرایند حرکت در مقایسه با فرایند ادغام پرهزینه‌تر است. به این ترتیب، محتمل‌ترین استدلال، قائل شدن به یک جایگاه تولید متفاوت از طریق فرایند ادغام است. این تحلیل همسو با تحلیل غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) است.

۴-۲-۳ نشانه منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون

در گویش لری، نشانه منفی می‌تواند پیش از (TP) در جایگاه مشخص‌گر کانون (FocP) در جمله‌های خبری اسنادی ظاهر شود. در این راستا، ابتدا جمله‌های خبری‌ای که نشانه منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون (FocP) قرار می‌گیرد، بررسی می‌شود. در جملات خبری ۲۸ تا ۴۱، نشانه منفی پیش از کل جمله به کار می‌رود و در این حالت، آهنگ تولید جمله افتان است. همچنین، در این جمله‌ها (۲۸ تا ۴۱) نشانه منفی در ابتدا در جایگاه پیش از گروه زمان (TP) در هسته گروه نفی (NegP2) قرار دارد و سپس به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون (FocP)

حرکت می‌کند، زیرا هسته کانون دارای ویژگی لبه است ([+Q, +Neg]) و این ویژگی لبه باعث می‌شود که گروه منفی را به سمت مشخص‌گر خود جذب کند. در این صورت، نشانه منفی در گویش لری همانند «قید نفی» عمل می‌کند و به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت می‌کند.

(38) *na kauš malusi-a*

"کفش قشنگی نیست."

(39) *na gagu lišiy-a*

"برادر بدی نیست."

(40) *na kar saxti-a*

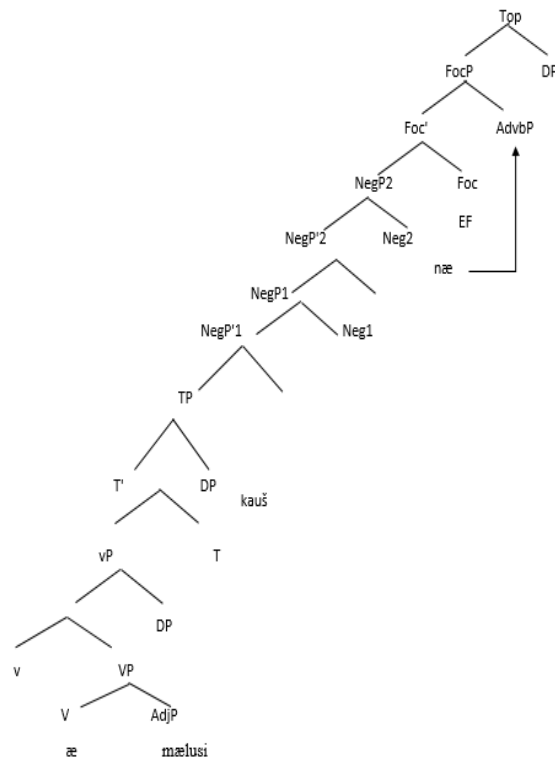
"کار سختی نیست."

(41) *na harf-e derosia*

"حرف درستی نیست."

نمودار جمله (۳۸) به عنوان نمونه‌ای از وقوع نشانه منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون در

زیر ارائه شده است:



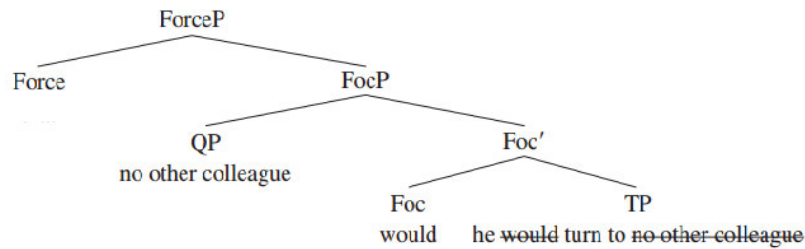
نمودار ۷. نشانه منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون

در نمودار ۷، ابتدا فاعل جمله بر طبق اصل فاعل درون گروه فعلی در گروه فعلی تولید می‌شود و سپس، برای رعایت اصل فرافکنی گسترده به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. نشانه منفی به این دلیل که هسته کانون دارای مشخصه لبه است از جایگاه هسته (NegP2) به سمت مشخص‌گر گروه کانون حرکت می‌کند. در زیر، شواهدی در تبیین این جایگاه نفی در گویش لری ارائه می‌شود.

اولین شاهد مبتنی بر دیدگاه ردفور (۲۰۰۹) است. از دیدگاه ردفور در بعضی از جملات زبان انگلیسی دارای عبارت منفی، عبارت منفی به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت می‌کند. برای مثال در جمله (۴۲) سازه *no other language* به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت کرده است.

(42) *No other language would he return to*

وی (همان: ۳۲۵) بر اساس فرضیه (CP) چندگانه ساختار زیر را برای جمله (۴۲) ترسیم می‌کند:



نمودار ۸ ساختار درختی جمله *No other language would he return to* (ردفور، همان)

ردفور (همان) دلیل این امر را مبنی بر این می‌داند که هسته سازه کانون دارای ویژگی لبه است که این ویژگی باعث می‌شود عبارت منفی را به خود جذب کند و آن را به جایگاه مشخص‌گر کانون حرکت دهد.

همچنین، خانلری (۱۳۷۷: ۱۲۸) معتقد است که گاهی برای تاکید در نفی، فعل به صورت مثبت می‌آید و نشانه منفی در ابتدای جمله، پیش از نهاد قرار می‌گیرد. در چنین حالتی، نشانه منفی «ن»، که جدا و مانند واژه مستقلی نوشته می‌شود، در حکم قید نفی است. خانلری (همان)

مثال‌های زیر را برای اثبات این ادعا ارائه کرده است:

(۴۳) نه چنین است = چنین نیست

(۴۴) نه هر آنکه آینه سازد سکندری داند = هر که آینه سازد سکندری نداند.

همچنین، زیلسترا (۲۰۰۴: ۵۴) با ارائه مثال‌هایی نشان داده است که نشانه منفی در زبان انگلیسی باستان در قرن‌های ۱۱ و ۱۲ می‌توانست برای تاکید در ابتدای جمله قرار بگیرد. مانند:

(45) a. **Ne** het he us na leornian heofonas te make (انگلیسی باستان قرن ۱۱)

Neg called he us neg learn heavens to make
'He didn't order us to make heavens'

b. **Pis ne** habbe ic nauht ofearned (انگلیسی باستان قرن ۱۲)

This neg have I neg deserved
'I haven't deserved this'

با استناد به شواهد ارائه شده از ردفور (۲۰۰۹)، خانلری (۱۳۷۷) و زیلسترا (۲۰۰۴) می‌توان نتیجه گرفت که نشانه منفی در گویش لری همانند «قید نفی» عمل می‌کند و به دلیل دارا بودن مشخصه لبه هسته کانون در جایگاه مشخص‌گر کانون واقع می‌شود.

۴-۲-۴ نشانه منفی در جایگاه هسته متمم‌نما

نشانه منفی در گویش لری در جملات پرسشی بله-خیر، می‌تواند در جایگاه هسته متمم‌نما (CP) پیش از (TP) قرار گیرد. این گونه جملات را می‌توان با تغییر در آهنگ جمله از افتان به خیزان پرسشی نمود. در زیر، این جایگاه نشانه منفی در جملات پرسشی بله-خیر منفی (۴۶) تا (۴۹) بررسی می‌شود.

(46) *na felâs qašangi-y-a?*

"فلاکس قشنگی نیست؟"

(47) *na rang šâdi-y-a?*

"رنگ شادی نیست؟"

(48) *na dars moškeli-y-a?*

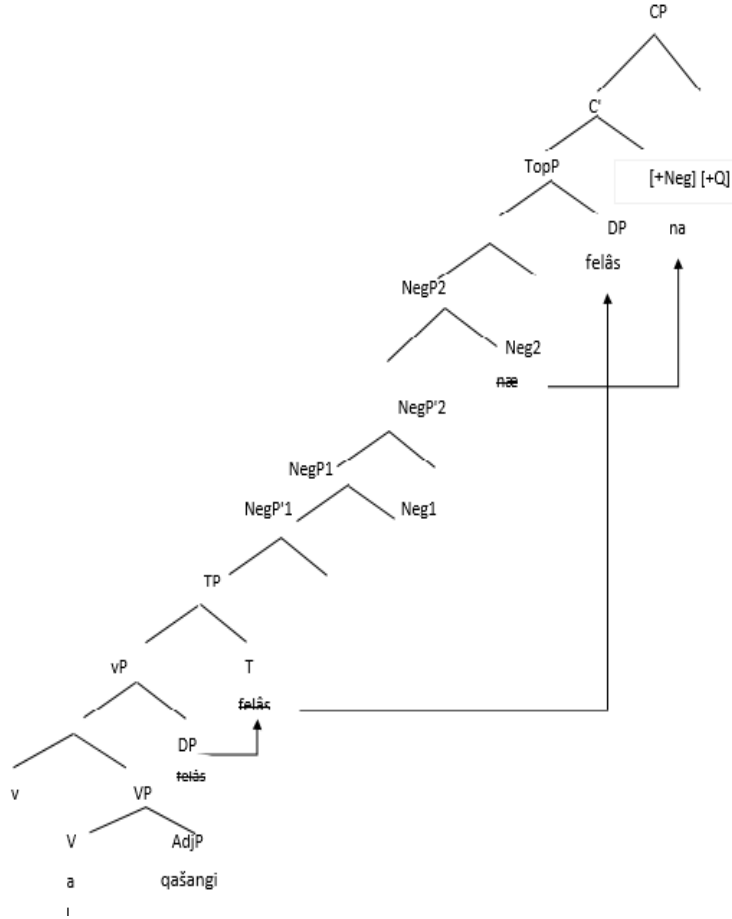
"درس مشلی نیست؟"

(49) *na masalaye mohem-y- a?*

"مسئله مهمی نیست؟"

در جمله‌های (۴۶ تا ۴۹) نشانه منفی «na» به عنوان «قید نفی» از جایگاه اصلی خود یعنی هسته نفی به جایگاه مشخص‌گر متمم‌نما (CP) حرکت می‌کند. همچنین، فاعل برای رعایت

محدودیت حرکت هسته چامسکی (۱۹۸۶) به جایگاه مشخص‌گر گروه مبتدا (TopP) حرکت می‌کند. نمودار جمله (۴۶) در زیر ارائه شده است:



نمودار ۹. جایگاه نشانه منفی در جایگاه هسته متمم‌نما (CP) در جملات پرسشی بلی-خیر

در نمودار ۹، فاعل در ابتدا بر اساس فرضیه فاعل درون گروه فعلی تولید می‌شود و سپس برای رعایت اصل فرافکنی گسترده به مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. در حرکت دوم،

فاعل برای تاکید از جایگاه مشخص‌گر گروه زمان به جایگاه مشخص‌گر گروه مبتدا حرکت می‌کند و از این طریق محدودیت حرکت هسته چامسکی (۱۹۸۶) نیز رعایت می‌شود. نشانه منفی نیز از جایگاه هسته نفی (NegP1) به سمت جایگاه هسته گروه متمم‌ما (CP) حرکت می‌کند و از این طریق مشخصه‌های [+نفی] و [+پرسشی] هسته متمم‌ما بازبینی می‌شود. در زیر، با ارائه شواهدی به تبیین این جایگاه پرداخته می‌شود.

شاهد اول مربوط به جملات خبری معادل جملات پرسشی بلی-خیر در گویش لری است که در آن‌ها نشانه منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون است. جملات خبری (۵۳ تا ۵۹) با تغییر آهنگ از افتان به خیزان تبدیل به جمله پرسشی تبدیل شده‌اند (جملات ۴۶ تا ۴۹). همان‌گونه که در زیربخش (۲-۴) بیان شد، در جملات خبری‌ای که نشانه منفی در ابتدای جمله ظاهر می‌شود، نشانه منفی در جایگاه مشخص‌گر کانون قرار دارد. از این رو، نشانه منفی در جملات پرسشی بلی-خیر و معادل آن‌ها جایگاه‌های متفاوتی را اشغال می‌کند.

(50) *na felâs qašangi-y-a.*

"فلکس قشنگی نیست."

(51) *na rang šâdi-y-a.*

"رنگ شادی نیست."

(52) *na dars moškeli-y-a.*

"درس مشلی نیست."

(53) *na masalaye mohem-y- a.*

"مسئله مهمی نیست."

علاوه‌براین، از دیدگاه مسکاتی (۲۰۰۶: ۳۸) در زبان‌هایی مانند انگلیسی و ایتالیایی که به طور معمول نفی را در چارچوب نظام تصریفی‌شان بیان می‌کنند، ممکن است در برخی مواقع ویژگی نفی در جایگاه هسته گروه متمم‌ما قرار بگیرد. از این رو، می‌توان گفت در گویش لری هسته گروه متمم‌ما از ویژگی‌هایی برخوردار است که می‌تواند جایگاه فرود مناسبی برای نشانه نفی در این گونه جملات پرسشی فراهم نماید.

به علاوه، ردفورد (۲۰۰۹: ۱۹۴) معتقد است بندهای پرسشی بندهایی هستند که دارای هسته (C) با مشخصه پرسشی قوی [+پرسشی] است. این ویژگی‌ها سبب می‌شود کوچکترین فرافکن بیشینه ممکن حاوی نزدیک‌ترین پرسش‌واژه را به خود جذب کند تا آن را به هسته (CP) حرکت دهد. همچنین، به باور ویس (۲۰۰۲: ۳۲۴) در بسیاری از زبان‌ها از جمله چینی، ایتالیایی

و بایرانی، نشانه منفی می‌تواند همانند یک نشانگر پرسشی عمل کند. برای مثال، در زبان چینی، جملات پرسشی بله-خیر یا با اضافه کردن نشانه پرسشی «ma» مثال (ه‌ا) یا نشانه نفی «meiyou» مثال (ه‌ب) ساخته می‌شوند:

(54)

- a Ta lai-le ma?
he come-perf. y/n
- b Hufei qu-le meiyou?
H. go-perf. neg

ویس (۲۰۰۲: ۳۲۴)

همچنین، غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) بر این باورند در گویش دشتستانی در جملات پرسشی بلی-خیر منفی نشانه منفی به عنوان جزء قیدی از جایگاه هسته گروه نفی غیرمنضم به فعل حرکت می‌کند و در جایگاه هسته گروه متممنا قرار می‌گیرد تا ضمن رعایت معیار نفی، تعبیر پرسشی جمله را فراهم سازد.

بدین ترتیب، با توجه به قرارگرفتن نشانه منفی در جایگاه هسته متممنا در جملات پرسشی در زبان‌های چینی، ایتالیایی و بایرانی (ویس، ۲۰۰۲)، همانندی نشانه منفی و پرسشی در زبان انگلیسی و ایتالیایی (مسکاتی، ۲۰۰۶)، قوی بودن مشخصه پرسشی در جملات پرسشی زبان انگلیسی (ردفورد، ۲۰۰۹)، قرارگرفتن نشانه منفی در جایگاه هسته متممنا در جملات پرسشی گویش دشتستانی (غلامعلی‌زاده و همکاران، ۱۹۹۵) و همچنین معادل پرسشی جملات خبری در گویش لری، جایگاه نشانه منفی در گویش لری در جملات پرسشی بلی-خیر در هسته متممنا تصدیق می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله جایگاه و کارکرد مقوله‌ی نفی در گویش لری بر اساس نظریه‌ی کمینه‌گرایی بررسی گردید. بدین منظور، ابتدا به مطالعه پیشوند بودن یا واژه نقشی بودن نشانه منفی پرداخته شد. سپس، سعی شد که به جایگاه‌های مختلف نشانه منفی در این گویش بپردازیم. با بررسی نشانه منفی در گویش لری مشخص شد که نشانه منفی در این گویش یک واژه نقشی است که تحت تاثیر زبان فارسی به صورت پیشوند نیز به کار می‌رود. از این رو، فرضیه اول پژوهشی مبنی بر واژه نقشی بودن نشانگر نفی در گویش لری تایید می‌شود. همچنین، روشن

شد که این نشانگر می‌تواند در جایگاه‌های مختلفی ظاهر شود که این جایگاه‌ها عبارتند از: عبارتند از: در جایگاه هسته نفي (NegP1)، هسته گروه نفي (NegP2)، مشخص‌گر (FocP) و هسته متمم‌نما. به طور خلاصه، نشانه منفي در گويش لري پيش از گروه زمان (TP) و به عنوان گروهی مستقل توليد می‌شود. با وجود این، این نشانگر جایگاه‌های مختلفی در جمله دارد. در جملات غيراسنادی و پرسشی، نشانه منفي پيش از گروه زمان (TP) در هسته گروه منفي (NegP1) توليد می‌شود، سپس بر اساس معيار مطابقه (چامسکی، ۱۹۸۶) به سمت فعل جذب می‌شود. در این جایگاه، نشانه منفي همانند «پيشوند» عمل می‌کند. هسته گروه نفي (NegP2) ديگر جایگاهی است که این نشانگر در آن ظاهر می‌شود. در این جایگاه، نشانه منفي دستخوش هيچ‌گونه حرکتی نمی‌شود و به دليل شرط اقتصادی بودن در جایگاه خود باقی می‌ماند. علاوه‌براین، نشانه منفي می‌تواند از جایگاه خود در (NegP2) به جایگاه مشخص‌گر گروه کانون (FocP) حرکت کند که انگیزه این حرکت این است که گروه کانون دارای ویژگی لبه است و در نتیجه نشانه منفي را به سمت خود جذب می‌کند. در نهایت، نشانه منفي می‌تواند در جایگاه هسته متمم‌نما (CP) قرار بگیرد. در این سه جایگاه (هسته گروه نفي (NegP2)، مشخص‌گر گروه کانون (FocP) و هسته متمم‌نما (CP)) همانند قيد عمل می‌کند. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش که نشان می‌داد نشانه منفي در گويش لري در جایگاه‌های هسته نفي (NegP1)، هسته گروه نفي (NegP2)، مشخص‌گر (FocP) و هسته متمم‌نما ظاهر می‌شود، تایید می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان انگاره نشانه منفي در گويش لري کهگیلویه را به صورت زیر بیان نمود:

(55) CP[TopP[FocP[NegP2Neg2[NegP1Neg1[TP[Vp[VP]]]]]]]]

۶- پی‌نوشت‌ها

1. Zeijlstra
2. Haegeman
3. Zanuttini
4. در ادامه‌ی پژوهش به جای «گويش لري شهرستان کهگیلویه» برای اختصار از «گويش لري» استفاده می‌شود.
5. Pollock
6. Kwak

7. Boeckx
8. Lansnik
9. Horn
10. Mazzon
11. Kachru
12. Occitan
13. Ouhalla
14. Laka

۱۵. حجت‌الله طالقانی (۲۰۰۸) با توجه به واج‌نوشته‌ها که از سمت چپ انجام شده است چنین جایگاهی را برای نشانه منفی مطرح کرده است، در حالی که نگارندگان پژوهش حاضر بر اساس جهت نگارش فارسی سمت راست را برای آن پیشنهاد کرده‌اند.
۱۶. اگرچه الگوی نظری اصلی این پژوهش نظریه کمینه‌گرایی چامسکی (۲۰۱۵/۱۹۹۵) است، اما زبان‌شناسان دیگری نیز در نحو کمینه‌گرا نظریه وی را گسترش دادند. به همین دلیل، در تبیین جایگاه نحوی نشانه نفی در گویش لری کهگیلویه از دیدگاه سایر افراد نیز استفاده شده است.
۱۷. در این جمله، رضا ابتدا از درون گروه فعلی به جایگاه مشخص‌گر TP حرکت کرده است. سپس برای تاکید به جایگاه قبل از گروه نفی حرکت می‌کند.

۷- کوتاه‌نوشت‌ها

- CP=Copmplementizer Phrase
 EPP=Extended Projection Principle
 FocP=Focus Phrase
 INFL=Inflection
 NEGP=Negative Phrase
 TCC= Tense C-command Condition
 TOpP=Top Phrase
 TP=Tense Phrase
 vP=verb Phrase
 VPISH=VP-Internal Subject Hypothesis

۸- منابع

- حسینی معصوم، محمد. (۱۳۹۰). بررسی جایگاه و کارکرد مقوله نفی در تحلیل ساختی فارسی و تبیین فرایند منفی‌سازی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۳ (۵): ۳۴-

۱۷

- رضایی، آر.ش. (۱۳۹۲). جایگاه گروه نفی در نحو زبان فارسی. پایان نامه‌ی منتشر نشده-ی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- غلامعلی‌زاده، خسرو؛ تفکری، شجاع؛ مغانی، حسین. (۱۳۹۵). رویکردی کمینه‌گرا به توزیع نشانه نفی در جملات پرسشی بلی-خیر در گویش دشتستانی. جستارهای زبانی، ۷ (۳۵): ۷۳-۹۵.
- صدیق ضیابری، رویا؛ جعفری، آریتا؛ دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۴). تحلیل جایگاه عنصر نفی در زبان فارسی در چارچوب برنامه کمینه‌گرا. مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران.
- نغری‌کهن، م. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی دستوری‌شدگی و دستوری‌زدایی در فارسی کنونی: مطالعه‌ی موردی تبدیل برخی وندهای تصریفی به اشتقاقی. مجله‌ی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۳ (۴): ۸۹-۱۰۹.

- Adger, D. (2003). *Core Syntax, a Minimalist Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Boeckx, C. (2006), *Linguistic Minimalism: Origins, Concepts, Methods, and Aims*. New York: Oxford University Press Inc.
- Chomsky, N. (1992). *A Minimalist Program for Linguistic Theory (= MIT Occasional Papers in Linguistics 1)*. Cambridge, Massachusetts.
- Chomsky, N. (2001). "Derivation by phase". In Kenstowicz, M (Ed.) *Ken Hale: A Life in Language*. MIT Press.
- Chomsky, N. [1995] (2015). *The Minimalist Program*. MIT Press.
- Darzi, A. 2008. Subjunctive-negation interaction in Persian, Proceeding of the 18th International Congress of Linguists, Korea University: Seoul, Korea.
- Haegeman, L. (1995). *The Syntax of Negation*. Cambridge University Press.
- Hojatollah Taleghani, A. (2006). *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*. Ph.D. Dissertation: University of Arizona.
- Hojatollah Taleghani, A. (2008). *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*. John Amsterdam & Philadelphia: Benjamin's

- Publishing.
- Horn, L. (1989). *A Natural History of Negation*. Chicago: The University of Chicago Press.
 - Horn, L. (2000). Any and (-)ever. Free Choice and Free Relatives. WYNER, (2002): 71-111.
 - Jespersen, O. (1917). *Negation in English and Other Languages*. A. F. Host, Copenhagen.
 - Karimi, S. (2005). *A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian* (Vol. 76). Walter de Gruyter.
 - Karimi, S., & Taleghani, A. (2007). Wh-movement, interpretation, and optionality in Persian. *Phrasal and clausal architecture: Syntactic derivation and interpretation*, 167-187.
 - Kwak, S. (2010). Negation in Persian. *Iranian Studies*, 43(5), 621-636.
 - Kwak, S & Darzi, A. (2006). "The syntax and semantics of Persian NCI, hič-phrase". *Proceeding of the 2nd workshop on the Persian language and computer*. 55-69. Tehran Univ.
 - Laka, I. (1990). *Negation in syntax--on the nature of functional categories and projections* (Doctoral dissertation, Massachusetts Inst. of Technology Cambridge).
 - Lasnik, H. (2002). The Minimalist program in syntax. *Trends in Cognitive Sciences* 6, pp. 432-437.
 - Mazzon, G. (2004). *A history of English negation*. Pearson Education.
 - Moscati, V. (2006). *The Scope of Negation*. Ph.D. Dissertation. University of Siena.
 - Ouhalla, J. (1991). *Functional categories and parametric variation*. London/New York: Routledge.
 - Payne, J. R. (1985). "Negation". In: Timothy Shopen (Ed.) *Language Typology and Syntactic Description*, Vol. I: Clause Structure. Cambridge, UK: Cambridge University Press. pp. 197-242.
 - Pesetsky, D. (1995). *Zero Syntax: Experiences and Cascades*. Cambridge, MA: MIT Press.
 - Pollock, J.Y. (1989). Verb movement, universal grammar, and the structure of IP. *Linguistic Inquiry*, 20, pp. 365-424.
 - Radford, A. (2004). *Minimalist Syntax, Exploring the Structure of English*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Radford, A. (2009). *Analysing English sentences: A minimalist approach*. Cambridge University Press.

- Weiss, H. (2002). "Three types of negation: a case study in Bavarian". In: Sjeff Barbiere, Leonie Cornips & Susanne Van der Kleij (Eds.), *Syntactic Microvariation*. Electronic Publication: Meertens Institute, pp. 305-332.
- Zanuttini, R. (1997b). *Negation and Clausal Structure: A Comparative Study of Romance Languages*. New York: Oxford University Press.
- Zeijlstra, H.H. (2004). *Sentential Negation and Negative Concord*. Ph.D. Dissertation. University of Amsterdam. Utrecht: LOT Publications.
- Zeijlstra, H. (2016). Diachronic Developments in the Domain of Negation. *Language and Linguistics Compass*, 10(6), 284-295.